



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته مشاوره شغلی

عنوان :

بررسی تطبیقی مفهوم مسئولیت پذیری از دیدگاه

گلاسر و مکارم شیرازی

استاد راهنما: دکتر مصطفی تبریزی

استاد مشاور : دکتر سعید بهشتی

استاد داور : دکتر احمد برجعلی

پژوهشگر : فرزانه ماجدی

دیماه ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

مادر مهربانم

او که خاک پایش را بر چشمانم می گذارم و ...

می بویم و ...

می بوسم،

تا به شکرانه زمزمه مشق های کودکی ام،

حقیقت عشق را در آئینه زلال نگاهش بنگرم.

سپاس و قدردانی

سپاس فراوان، خداوند بی همتا را که به مصداق «**و نحن اقرب الیه من حبل الوریث**» همیشه با ذکر وجود بی نهایتش، جان مرا جان، و هر نفسم را توان بخشیده تا از عنایت بی کرانش بتوانم ذره‌ی ناقابلی از خلقت پهناورش باشم. با نهایت تشکر و تقدیر از استاد گرانقدرم «**آقای دکتر مصطفی تبریزی**» که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند و هر لحظه و هر زمان که از ایشان درخواست راهنمایی نمودم با سعه‌ی صدر و حوصله‌ی فراوان، سئوالات مرا پاسخ گفتند و به حتم بدون حمایت‌های بی‌دریغ ایشان، راه برای من هموار نمی‌گشت. از خداوند متعال، بهترینها را برایشان آرزومندم. با سپاس از استاد محترم «**آقای دکتر سعید بهشتی**» که در طول انجام این پایان نامه از مشاوره‌ی عالمانه‌ی ایشان بهره‌مند گردیدم و ایشان نیز از هیچ کمکی جهت رفع نقائص این کار، دریغ نکردند و از تصویب موضوع تا پایان پروژه را حمایت نمودند.

با تشکر از استاد گرانمایه «**آقای دکتر احمد برجعلی**» که در دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد، همواره از راهنمایی‌های ایشان فیض برده‌ام و انتخاب ایشان به عنوان داور این پایان نامه، مایه‌ی مباهات و افتخار بنده گردید. از پروردگار یکتا، سلامتی و طول عمر پربرکت تمام ستارگان آسمان علم، مخصوصاً اساتید بزرگوام را مسئلت دارم. برخورد لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خویش را آنچنان که شایسته و بایسته است ابراز دارم از: **پدرم**، که سایه پر مهرش همیشه باعث قوت قلب و دلگرمی من بوده است و زحماتش را ارج می‌نهم.

مادرم، که هرچه تقدیر کنم باز هم زبانم قاصر است؛ چرا که او فرشته مسئولیت‌پذیری است که بالهای مهربانی اش را از کودکی ام تا به امروز بر من گشود و نهال توانستن را در وجودم بارور نمود و در طول ایام تحصیل از غنچه‌های کوچکم مراقبت کرد تا بتوانم با فراغت خیال، این دوران را سپری نمایم.

همسر **م** «**آقای حمیدرضا شفیعی**» که حتی در طوفان مشکلات نیز، دریای پهناور عشقش، کشتی زندگیمان را به ساحلی امن رهنمون شده است و در عمق نگاهش همیشه معنای دوستت دارم را یافته‌ام.

فرزند **م** «**ریحانه و یگانه**» که علی‌رغم کوچکی سنشان همچون مرواریدهای تابناک زندگیمان را با صدف وجودشان رونق بخشیدند و با نثار محبت کودکانه‌شان مشوقانی بزرگ برای من بوده‌اند.

و در آخر، دوست عزیزم «**خانم ستاره ناظمی**» که در خلال انجام کار، مرا از راهنمایی‌های خود بهره‌مند نمودند.

برای تمام این عزیزان، عافیت و عمری طولانی آرزومندم. امیدوارم که بتوانم جبران گوشه‌ای از محبت‌هایشان را بنمایم.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی دیدگاه‌های گلاسر و مکارم شیرازی حول محور مسئولیت پذیری صورت گرفته است. روش پژوهش تحلیلی-تطبیقی است. همچنین روش و ابزار جمع آوری داده‌ها، کتابخانه ای است و برای تحلیل اطلاعات از تحلیل کیفی استفاده شده است.

سئوالهای تحقیق، وجوه اشتراک و اختلاف در دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی را درباره مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیازهای اساسی مورد بررسی قرار می دهد.

یافته ها نشان می دهد از منظر گلاسر و مکارم شیرازی، فرد مسئولیت پذیر فردی است که نیازهای خود را که شامل زنده ماندن، عشق و تعلق خاطر، قدرت، آزادی و سرگرمی می شود ارضا می کند بدون اینکه دیگران را از برآورده کردن این نیازها محروم کند. وجوه اشتراک دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به زنده ماندن شامل لزوم توجه به سلامتی و تغذیه سالم، نیاز به پوشاک، مسکن و امکانات مالی، انجام هر کاری برای زنده ماندن، خوب کنار آمدن انسانها با یکدیگر و تولید مثل می شود. در رابطه با ارضای نیاز به عشق و تعلق خاطر شامل دوطرفه بودن نیاز به عشق و تعلق، آموزش مسئولیت پذیری از راه ابراز عشق و محبت و عشق رو به تباهی و فرار از مسئولیت پذیری می شود. در رابطه با ارضای نیاز به قدرت شامل حکومت بدون سلطه گری و نکوهش قدرت مسئولیت گریزانه می شود. در رابطه با ارضای نیاز به آزادی شامل اجبار، دشمن خلاقیت و آزادی انتخاب می شود و بالاخره در رابطه با ارضای نیاز به سرگرمی شامل لزوم فعالیت های لذت بخش، اهمیت شادی دآوری نمودن از اندوه و سرگرمی های مفید و سازنده می شود.

وجوه اختلاف دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به زنده ماندن شامل همه جانبه نگری قرآن و تعلق همه چیز به خدا می شود. در رابطه با ارضای نیاز به عشق و تعلق خاطر شامل عشق به پروردگار می شود. در رابطه با ارضای نیاز به قدرت شامل قدرت جسمی و اتصال به قدرت الهی می شود. در رابطه با ارضای نیاز به آزادی شامل اجتناب از هوی و هوس می شود و بالاخره در رابطه با ارضای نیاز به سرگرمی شامل شادی فخرآفرین می شود.

کلید واژگان: مسئولیت پذیری، نیازهای اساسی، واقعیت درمانی یا تئوری انتخاب.

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات پژوهش

۲	۱-۱ - مقدمه
۳	۲-۱ - بیان مسأله
۴	۳-۱ - اهمیت و ضرورت تحقیق
۶	۴-۱ - سئوالهای تحقیق
۶	۱-۴-۱ - سؤال اصلی تحقیق
۶	۲-۴-۱ - سئوال فرعی
۶	۵-۱ - اهداف تحقیق
۶	۱-۵-۱ - هدف کلی
۷	۲-۵-۱ - اهداف جزئی
۷	۶-۱ - تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی تحقیق

فصل دوم : مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

۱۰	۱-۲ - مبانی نظری دیدگاه گلاسر
۱۰	۱-۱-۲ - شرح حال ویلیام گلاسر
۱۰	۲-۱-۲ - واقعیت درمانی
۱۵	۳-۱-۲ - شخصیت یا هویت
۱۷	۴-۱-۲ - ماهیت انسان
۱۷	۵-۱-۲ - رابطه‌ی رشد شخصیت با مسئولیت
۱۸	۶-۱-۲ - ماهیت رفتار ناسازگار
۱۹	۷-۱-۲ - مفهوم مسئولیت

۲۲	۲-۱-۸- مالکیت، نقطه مقابل مسئولیت
۲۳	۲-۱-۹- نیازهای اساسی آدمی
۳۲	۲-۲- مبانی نظری دیدگاه مکارم شیرازی
۳۲	۲-۲-۱- قرآن
۳۵	۲-۲-۲- حقیقت و روح تفسیر
۳۷	۲-۲-۳- مسئولیت در قرآن
۴۲	۲-۲-۴- نیازهای اساسی
۸۱	۲-۳- پیشینه پژوهش
۸۱	۲-۳-۱- پژوهش های انجام شده در مورد مسئولیت پذیری
۸۵	۲-۳-۲- تحقیقات انجام شده درباره ارتباط قرآن، معنویت و روان شناسی
	فصل سوم : روش شناسی
۹۰	۳-۱- مقدمه
۹۰	۳-۲- نوع تحقیق
۹۰	۳-۳- روش تحقیق
۹۲	۳-۴- روش گردآوری اطلاعات
۹۲	۳-۵- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
	فصل چهارم : یافته های پژوهش
۹۵	۴-۱- بررسی اولین سؤال تحقیق
۹۵	۴-۱-۱- وجوه اشتراک در رابطه با ارضای نیاز به زنده ماندن

- ۱۰۱ - ۴-۱-۲ - وجوه اختلاف در رابطه با ارضای نیاز به زنده ماندن
- ۱۰۴ - ۴-۲ - بررسی دومین سؤال تحقیق
- ۱۰۴ - ۴-۲-۱ - وجوه اشتراک در رابطه با ارضای نیاز به عشق و تعلق خاطر
- ۱۰۹ - ۴-۲-۲ - وجوه اختلاف در رابطه با ارضای نیاز به عشق و تعلق خاطر
- ۱۱۱ - ۴-۳ - بررسی سومین سؤال تحقیق
- ۱۱۱ - ۴-۳-۱ - وجوه اشتراک در رابطه با ارضای نیاز به قدرت
- ۱۱۴ - ۴-۳-۲ - وجوه اختلاف در رابطه با ارضای نیاز به قدرت
- ۱۱۶ - ۴-۴ - بررسی چهارمین سؤال تحقیق
- ۱۱۶ - ۴-۴-۱ - وجوه اشتراک در رابطه با ارضای نیاز به آزادی
- ۱۱۹ - ۴-۴-۲ - وجوه اختلاف در رابطه با ارضای نیاز به آزادی
- ۱۲۰ - ۴-۵ - بررسی پنجمین سؤال تحقیق
- ۱۲۰ - ۴-۵-۱ - وجوه اشتراک در رابطه با نیاز به تفریح و سرگرمی
- ۱۲۴ - ۴-۵-۲ - وجوه اختلاف در رابطه با نیاز به تفریح و سرگرمی

فصل پنجم : خلاصه و نتیجه گیری

- ۱۲۷ - ۵-۱ - مقدمه
- ۱۲۷ - ۵-۲ - خلاصه ای از یافته های پژوهش
- ۱۳۶ - ۵-۳ - نتیجه گیری
- ۱۳۷ - ۵-۴ - محدودیت های تحقیق
- ۱۳۷ - ۵-۵ - پیشنهاد های تحقیق

۱۳۷

۱-۵-۵ پیشنهادهای پژوهشی

۱۳۷

۲-۵-۵ پیشنهادهای کاربردی

۱۳۹

منابع فارسی

۱۴۴

منابع انگلیسی

فصل اول

کلیات پژوهش

امر خطیر مسئولیت، امری نیست که مربوط به یک قرن و دو قرن زندگی بشری بر روی کره زمین باشد، بلکه بنا به فرموده خداوند در قرآن کریم، از آغاز خلقت انسان، مسئولیت عظیم به دوش کشیدن امانت الهی بر دوش انسان نهاده شده است: «ما امانت خویش را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم ولی از پذیرفتن آن سرباز زدند و از آن هراسیدند، ولی انسان آنرا بر دوش گرفت؛ همانا که او در حق خویش ستمکار و نادان است» (احزاب، ۷۲).

از تمام موجودات عالم، فقط انسان که اشرف مخلوقات است به سبب شعور و توانایی و درک قدرت بالای تفکر انسانیش عهده دار مسئولیت است؛ می توان گفت اگر ما فرصتی برای این داشته باشیم که انسان باشیم به یک معنی تنها به این خاطر است که چنین مسئولیتهای خطیری را تقبل کنیم؛ انسان بودن به این معنی است که مسئولیت دشوار اختیار داشتن و خلیفه خدا بودن را بپذیریم که البته به همراه این مسئولیت بزرگترین هدیه‌ای که ممکن بود به ما بخشیده شده و آن هدیه توانایی تقرب به خداوند است (نصر، ۱۳۸۵).

اگر انسان، مسئول آفریده نمی شد و در ابتدا مسئول حیات و سرنوشت خویش نبود، زندگی او کاملاً پوچ و بی فایده می شد و دیگر هدفی برای زندگی نمی یافت؛ در خانواده، والدین که مسئول پرورش فرزندان هستند، در محیط کار از رؤسا که مسئول هماهنگی کارمندان و اداره سازمان هستند تا کارمندان که هر کدام جزء به جزء مسئولیت جداگانه‌ای را بر عهده دارند و در مدارس و محیطهای آموزشی هم مدیر، ناظم، معاونین و معلمان هر کدام مسئولیتهای ویژه‌ای جهت هدایت و تعلیم و تربیت دانش آموزان بر عهده دارند، همگی جامعه‌ای را تشکیل می دهند که اگر مسئولیت در آن نقش حائز اهمیتی را ایفا نکند، از هم خواهد پاشید و عنان آن از دست خواهد رفت.

در توجه کردن به این امر مهم به ویژه در کشور ما که فرهنگ اصیل ایرانی و دین مبین اسلام از اصول اساسی آن به شمار می رود لازم است تا هم از دیدگاه روان شناسان فرهیخته و هم مفسران بزرگ مورد عنایت خاص قرار گیرد.

۲-۱ بیان مسئله

گلاسر^۱ (۱۹۲۵) - بنیانگذار واقعیت درمانی می گوید: همه‌ی انسانها باید مسئولیت^۲ رفتار کنونی خود را به عهده بگیرند. صادقانه به رفتار خود توجه کنند و مشخص نمایند که آیا این رفتار در ارضای نیازهای آنها کمکی می کند.

مسئولیت یک مفهوم اساسی در واقعیت درمانی است و به معنای توانایی برآورده کردن نیازهای شخصی می باشد، در صورتی که فرد، دیگران را از برآورده کردن نیازهایشان محروم نکند: یک فرد مسئول هم می تواند محبت ببیند؛ یک انسان مسئول، طوری رفتار می کند که هم خودش احساس ارزش کند و هم دیگران احساس ارزش کنند.

نظریه‌ای که گلاسر در آن مسئولیت را بسط می دهد، نظریه‌ی انتخاب است. نظریه‌ی انتخاب، چارچوب واقعیت درمانی است؛ نظریه‌ی انتخاب، روان شناسی کنترل درونی است؛ تا وقتی که ما انتخابهای خود را انجام ندهیم یا اینکه احساس کنیم دیگران ما را کنترل می کنند، مسئولیتی برای اعمالمان نخواهیم پذیرفت. نظریه‌ها و عقاید فلسفی اصلی واقعیت درمانی آن است که آدمی نهایتاً خودمختار^۳ است؛ ضمناً گفته می شود که: (۱) هرچند ممکن است فشارهای روانی درونی و برونی با عملکرد هیجانی فعلی مراجع رابطه‌ی مستقیم داشته باشد، اما در طولانی مدت مراجع، خودپیرو^۴ و مسئول است؛ و (۲) هرچه را مراجع انجام می دهد، در جهت ارضای نیازهای اساسی خود در زمینه‌ی بقاء عشق و تعلق خاطر، قدرت، آزادی، شوخی و سرگرمی و در نهایت برای کنترل زندگی خویش می باشد.

بنابراین انسان مسئول، کسی است که توانایی ارضای نیازهای اساسی خود را در پنج نیاز زنده ماندن و بقاء، عشق، قدرت، آزادی و سرگرمی دارد بدون اینکه دیگران را از ارضای این نیازها محروم کند.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۰۵) به همراه جمعی از همکاران در سال ۱۳۶۱ شروع به نگارش مجموعه کتب ارزشمند تفسیر نمونه و در سال ۱۳۶۶ کار نگارش این کتب به پایان رسید. در این مجموعه کتب، مسئولیت به

¹ Glasser.w

² responsibility

³ self-determining

⁴ autonomous

عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گرفته است. آنجا که از پذیرفتن امر خطیر مسئولیت، کوهها و آسمان و زمین سرباز می زنند، اما انسان آنرا قبول می کند، او در حق خویش نیز ستمکار و نادان است بیانگر این واقعیت است که انسان به حکم انسان بودنش مسئولیت هدایت و ضلالت خود را برعهده دارد و اگر راه کج را برود، خودش مسئول عواقب اعمال خویش است. هنگامی که مسئولیت از باب ارضای نیازهای اساسی مطرح می گردد، انسان مسئولیت پذیر و مسئولیت گریز جلوه تازه ای پیدا می کنند که با مثالهای زیبای قرآنی که به فرموده قرآن از باب تذکر و تعقل و تقواست به آن پرداخته می شود. این همه نعمتهای بی شمار از دریچه نیازهای اصلی انسان در اختیار او نهاده شده است، اما او در این وادی چه باید بکند تا هم در حیات دنیوی و هم اخروی سعادتمند گردد و بتواند در پیشگاه خدای خویش به نفس مطمئنی که مقام راضی و مرضی را پیدا نموده دست یابد. با عنایت به مطالب گفته شده، بطور خلاصه در این پژوهش به دنبال این هستیم که ببینیم آیا میان مفهوم مسئولیت پذیری مطرح شده در دیدگاه گلاسر در رابطه با ارضای ۵ نیاز اساسی آدمی (بقا و زنده ماندن، عشق و تعلق خاطر، قدرت، آزادی و سرگرمی) با مفهوم مسئولیت پذیری مطرح شده در دیدگاه مکارم شیرازی اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؟

۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه‌ی گذشته به صورتی روزافزون توجه روان شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان شناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری بیابند. چنین به نظر می رسد که مردم جهان، امروزه بیش از پیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند و روان شناسان و روان پزشکان نیز به طور روزافزون در می یابند که استفاده از روشهای سنتی و ساده، برای درمان اختلالات روانی کافی نیست. انسان به دنیا می آید، مراحل مختلف رشد را طی می کند و سپس از این جهان می رود. آیا روند و سیر تکاملی انسان همین است؟ آیا این چرخه همیشگی با هدف خاصی صورت می گیرد و تداوم می یابد؟ اصلاً منظور از رشد و تکامل انسان چیست؟ سئوالهایی از این دست، روزگاری اساس علم روان شناسی را تشکیل می داد، متأسفانه به نظر می رسد که با پیشرفت روزافزون

علم در دنیای فرامردن امروز، نه تنها پاسخی جامع به سئوالهای بالا ارائه نشده، بلکه اصولاً، این پرسشها جای خود را به سئوالهایی از نوع دیگر داده اند. روان شناسی به جای کنکاش درباره ماهیت انسان، به «علمی» بودن پدیده‌های مربوط به انسان پرداخته است. البته علم و روش علمی، مهمترین اصل روان شناسی بوده و هست، ولی تا جایی که به انسان و ماهیت انسانی مربوط می شود، تجربه نشان داده که علم نمی تواند پاسخگوی همه سئوالهای انسان باشد. پدیده هایی در جهان وجود دارد که اثبات یا حتی پرداختن به آنها در چارچوب علم نمی گنجد. لذا این بحث از چند دهه پیش به این طرف توجه بسیاری از روان شناسان و متخصصان را به خود جلب کرده است. تا جایی که برخی از سازمانهای بهداشتی مثل سازمان جهانی بهداشت، به بازنگری تعاریف موجود در مورد انسان و ماهیت بشر پرداختند. به عنوان مثال در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می کند و بعد چهارم، یعنی بعد معنوی^۱ را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می سازد (وست^۲، ۲۰۰۴، ترجمه‌ی شهیدی و شیرافکن، ۱۳۸۳).

در مورد نقش و اهمیت مذهب و معنویت در زمینه سلامتی و بیماری علاقه‌ی رو به رشدی وجود دارد، همچنین مطالعات تجربی روابط معناداری میان مذهب و معنویت و سلامت مشخص کرده اند (هیل^۳ و پارگامنت^۴، ۲۰۰۶).

مفاهیمی در روان شناسی وجود دارند که مستقیماً به سرنوشت انسان مرتبط می شوند و کل رفتارهای او را تحت الشعاع قرار می دهند؛ مانند انگیزه، احساس، ادراک، نیاز، مسئولیت پذیری و بنابراین از آنجا که در کشور ما مذهب نقش عمده‌ای را در زندگی مردم ایفا می کند، ضروری به نظر می رسد که از این مفاهیم مهم روان شناسی که به طبیعت انسان مرتبط هستند، بهره ببریم و به گونه ای ملموستر از دریچه‌ی مذهب و قرآن به آنها نگاه کنیم و آنچه را که از بررسی دیدگاههای نظریه پردازان روان شناسی و عالمان دین بدست می آید، گردآوری کنیم تا به این صورت دستاوردهای روان شناسی را با نظریات انسان ساز دین پیوند بزنیم.

¹ biopsychosociospiritual

² West, William

³ Hill, P.C.

⁴ Pargament, K.J.

۴-۱ سئوالهای تحقیق

۱-۴-۱ - سئوال اصلی تحقیق:

آیا میان مفهوم مسئولیت پذیری مطرح شده در نظریه‌ی گلاسر در رابطه با ارضای پنج نیاز بقا و زنده ماندن، عشق تعلق خاطر، قدرت، آزادی و تفریح با همین مفاهیم در دیدگاه مکارم شیرازی چه اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؟

۱-۴-۲ - سئوال فرعی:

۱- میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به زنده ماندن چه اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؟

۲- میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به عشق و تعلق خاطر چه اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؟

۳- میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به قدرت چه اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؟

۴- میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به آزادی چه اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؟

۵- میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به تفریح چه اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؟

۵-۱ اهداف تحقیق

۱-۵-۱ - هدف کلی

هدف از این تحقیق، بررسی تطبیقی مفهوم مسئولیت پذیری از دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی می باشد.

۱-۵-۲- اهداف جزئی

- ۱- تعیین اشتراکات و اختلافات میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به بقا و زنده ماندن.
- ۲- تعیین اشتراکات و اختلافات میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به عشق و تعلق خاطر.
- ۳- تعیین اشتراکات و اختلافات میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به قدرت.
- ۴- تعیین اشتراکات و اختلافات میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به آزادی.
- ۵- تعیین اشتراکات و اختلافات میان دیدگاه گلاسر و مکارم شیرازی درباره‌ی مفهوم مسئولیت پذیری در رابطه با ارضای نیاز به سرگرمی.

۶-۱ تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی تحقیق

۱-۶-۱- بررسی تطبیقی

«تطبیق و مقایسه به عملی اطلاق می شود که در پرتو آن، دو یا چند پدیده را در کنار هم قرار داده و به منظور یافتن وجوه اختلاف و تشابه، آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم» (آقازاده، ۱۳۸۲، ص ۶۵).

۱-۶-۲- مفهوم^۱

مفهوم عبارتست از طبقه‌ای از محرکهای دارای ویژگیهای مشترک. مفاهیم حداقل به دو دلیل اهمیت دارند؛ نخست اینکه، پیچیدگی محرکها، اشیاء، رویدادها و پدیده‌های محیطی را برای محققان کاهش می دهند. برای مثال «مفهوم سرود» میلیونها سرود را شامل می شود. دوم آنکه ارتباط بین افرادی را که ادراک مشابهی از آنها دارند

¹ concept

آسان می سازد. محققان از مفاهیم استفاده می کنند تا مشاهدات خود را به صورت اطلاعات معنادار، سازمان داده و به همکاران خود انتقال دهند. محققانی که از مفهوم «خشونت» برای توصیف مجموعه‌ای از اعمال کلامی و غیر کلامی مختلف استفاده می کنند، درمی‌یابند که همکارانشان آنچه را مورد بحث قرار گرفته است درک می کنند (بیابانگرد، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

۱-۶-۳- مسئولیت: گلاسر، مسئولیت را به عنوان توانایی فرد برای تأمین نیازهایش معرفی می کند که این کار به گونه‌ای صورت می گیرد که در عین حال، دیگران را از ارضای نیازهایشان محروم نمی کند. واقعیت درمانگران مسئولیت را معادل سلامت روان می دانند (شیلینگ، ترجمه آراین، ۱۳۷۹).

مکارم شیرازی، مسئولیت را به عنوان تکالیفی که بر دوش انسان نهاده شده است تعریف می نماید و با استناد به این آیه « کلّ نفس بما کسبت رهینه^۱ » می فرماید: «رهینه» از ماده «رهن» به معنی گروگان است و آن وثیقه ای است که معمولاً در مقابل وام می دهند؛ گوئی تمام وجود انسان در گرو انجام مسئولیتها است. هنگامی که آنها را انجام می دهد آزاد می گردد و گرنه در قید اسارت باقی خواهد ماند. از دیدگاه مکارم شیرازی، اصل مسئولیت هر کس در برابر اعمال خویش از اصول منطقی و مسلم همه‌ی ادیان آسمانی است.^۲

۱-۶-۴- دیدگاه

«شیوه‌ی نگرش و ارزیابی، نظرگاه، برای بدست آوردن دیدگاه یک مکتب از یک سلسله معیارها می توان استفاده کرد» (انوری، ۱۳۸۱، ص ۳۴۵۸).

^۱ مدثر/۳۸

^۲ تفسیر نمونه، جلد ۲۵

فصل دوم

مبانی نظری و

پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱-۱- مبانی نظری دیدگاه گلاسر

۲-۱-۱-۱- شرح حال ویلیام گلاسر

ویلیام گلاسر^۱ در سال ۱۹۲۵ در کلیولند^۲ اوهایو به دنیا آمد. گلاسر مانند بسیاری روان شناسان دیگر، شاگرد مکتب روان کاوی بود اما در زمان تحصیل خود به مواردی برخورد که در ذهن او باعث پیدایش افکار تازه‌ای شد که با دیدگاه فرویدها اختلاف داشت. گلاسر، نظریه پردازی است که ما را به سوی یک زندگی فعال (از نظر جسمانی، هیجانی و عقلانی) هدایت می کند. وی در دیدگاه خود به این دو نکته اهمیت می دهد: اینکه شما چه میکنید یعنی درگیری عاطفی با شما و با آگاهی شما از دنیای واقعی. نام رویکرد گلاسر، واقعیت درمانی است؛ هنگام مطالعه ابتدایی، این رویکرد آنقدر ساده و آسان به نظر می رسد که تأثیر آن در مطالعات بعدی مورد نظر قرار می گیرد و خواننده را متوجه دنیایی واقعی می کند که اعمال هرکسی پیامدهایی دارد. هرکسی دنیای خویش است و یا می تواند باشد. چه بخواهد و چه نخواهد واقعیت‌ها وجود دارند (شیلینگ، ترجمه آرین، ۱۳۷۲).

در حال حاضر، گلاسر به فعالیتهای گسترده‌ای در زمینه‌های روان پزشکی و تعلیم و تربیت مشغول است و تلاش می کند تا مبانی واقعیت درمانی را، که از ایده های خود اوست، در تعلیم و تربیت و درمان مشکلات روانی، خصوصاً برای یاری به نوجوانان بزهکار، عملی سازد. وی دو کتاب بسیار ارزشمند با عناوین مدارس بدون شکست^۳ و واقعیت درمانی^۴ به چاپ رسانده است. مبانی مطرح شده در این کتابها به موفقیت‌های گسترده‌ای در کشورهای کانادا و آمریکا در درمان و تعلیم و تربیت دست یافته است (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۷۷).

۲-۱-۲- واقعیت درمانی

کوری (۱۹۷۷) رویکرد واقعیت درمانی را اینطور خلاصه می کند:

^۱ W.Glasser

^۲ Cleveland

^۳ Schools without failure

^۴ Reality therapy

«یک درمان فعال، دستورالعملی، آموزشی، شناختی و رفتار-محورانه^۱، اغلب از روش عقد قرارداد استفاده می شود؛ و هنگامی که قرارداد انجام شد، درمان خاتمه می یابد. این رویکرد می تواند هم حمایتی و هم مواجهه‌ای باشد. از سئوالات «چه» و «چطور» ولی نه از سئوالات «چرا» استفاده می شود» [نقل از گیبسون و میشل، ترجمه‌ی ثنایی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰].

واقعیت درمانی، یک روش مشاوره می باشد که به ما یاد می دهد از طریق پرس و جو از خود و ارزیابی از خود، امور را به طور مؤثری مدیریت کنیم. فرآیند واقعیت درمانی یک فرآیند مستمری می باشد که از دو جزء اصلی تشکیل شده است: (۱) ایجاد یک محیط سرشار از اعتماد (۲) استفاده از تکنیکهایی جهت کمک به افراد در کشف نیازهای واقعیشان با توجه به رفتاری که می کنند (شبکه‌ی ناناروت و لنس، ۲۰۱۰).

واقعیت درمانی، رفتار فعلی را مدّ نظر قرار می دهد و به تاریخچه گذشته مراجع کاری ندارد. واقعیت درمانی مانند نظریه‌های هستی درمانی، مراجع محوری و درمان گشتالتی بر مکتب پدیدار شناختی متمرکز است. از دیدگاه گلاسر، فرد، پدیده‌های جهان را بر مبنای دنیای درونی خودش ادراک می کند و بر همین پایه استرسهای مراجعان ناشی از نحوه ادراک آنها در ارتباط با جهان بیرون است و همین ادراکات، پایه های رفتار و واکنش آنها نسبت به دنیای خارج را تشکیل می دهد. واقعیت درمانی برای افراد دارای مشکل روانی خفیف تا گوشه گیری جنون آمیز کامل کاربرد دارد. اختلالات رفتاری افراد جوان و سالمند و الکلیسم و مواد مخدر، همه با واقعیت درمانی قابل درمان است.

واقعیت درمانی به افراد کمک می کند تا یاد بگیرند کنترل مؤثری بر زندگیشان داشته باشند؛ این یک روش اختیاری برقراری ارتباط می باشد که به توانایی افراد در انتخابهای مؤثر و ارضای نیازها کمک می کند. واقعیت درمانی یک فرآیند مستمر با دو جزء اصلی می باشد: (۱) محیط مشاوره (۲) روشهای مشخص که منجر به تغییر در رفتار می شود. هنر واقعیت درمانی اتصال این ۲ عنصر به گونه ای است که افراد بتوانند زندگیشان را ارزیابی کنند و تصمیم به حرکت به سوی مسیرهای بهتر بگیرند (شبکه تئوری انتخاب، ۲۰۱۰).

¹ behavior-oriented